



مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم با تأکید بر تعامل معلم با خود از منظر نهج‌البلاغه

کمال نصرتی‌هشی^{۱*}، نرگس کیانی^۲ و حمزه‌علی بهرامی^۳

Components of a Teacher's Professional Ethics with Emphasis on the Teacher's Interaction with Himself from the Perspective of Nahj al-Balagheh
Kamal Nosrati-heshi^{1*}, Narges kiany² and Hamzeali Bahrami³

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

Abstract

The purpose of this study is to investigate and infer the components of teachers' professional ethics with emphasis on teacher interaction with himself from the perspective of Nahj al-Balagha. To achieve this goal, a qualitative method and the type of document review or library method was used. In order to collect and analyze data, since this is qualitative research, the three steps advised by Bardin (1996) were followed. In this study, the research population was equal to the sample; So that the whole book of Nahj al-Balagha was analyzed as the population and sample of research. In the findings section, a set of components of teacher professional ethics with emphasis on teacher interaction with himself was extracted from Nahj al-Balagha. Being thoughtful, welcoming change, believing in the supernatural force and mentioning it, believing in death, purposefulness, order and planning, self-esteem and avoiding selfishness, self-calculation, perseverance and continuity of work, welcoming the continuous learning, pragmatism and consulting with others were the components which were extracted and discussed from the teachings of Imam Ali (AS) in this article.

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی و استنباط مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم با تأکید بر تعامل معلم با خود از منظر نهج‌البلاغه است. برای رسیدن به این هدف، از روش کیفی و از نوع بررسی اسناد و مدارک و یا روش کتابخانه‌ای استفاده گردید. برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، به لحاظ کیفی بودن پژوهش سه گام باردن (۱۳۷۴)، برداشته شد. در این پژوهش، جامعه با نمونه برابر بود؛ بطوری که کل کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان جامعه و نمونه پژوهش بررسی گردید. در بخش یافته‌ها مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم با تأکید بر تعامل معلم با خود از نهج‌البلاغه استخراج گردید. فکور بودن، استقبال از تغییر و تحول، باور به نیروی فراطبیعی و ذکر او، هدفمندی، نظم و برنامه‌ریزی، عزت نفس و پرهیز از خودپسندی، خودمحاسبه‌گری، پشتکار و تداوم کارها، استقبال از فراگیری مستمر دانش و یادگیری، عمل‌گرایی، مشورت‌پذیری از جمله این مؤلفه‌ها بود که در این نوشتار به‌عنوان مؤلفه‌های ارتباط و تعامل معلم با خود از آموزه‌های امام علی -علیه‌السلام- استخراج و بررسی شدند.

Keywords: Imam Ali (AS), interaction with oneself, Nahj al-Balagha, teacher professional ethics

واژه‌های کلیدی: نهج‌البلاغه، اخلاق حرفه‌ای معلم، تعامل معلم با خود

1. Assistant professor, department of educational sciences, Farhangian University, Iran

2. MA., curriculum development, University of Kashan, Iran

3. Assistant professor, department of theology, University of Isfahan, Iran

*Corresponding Author, Email: kamalnosrati1367@yahoo.com

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران

۲. کارشناس ارشد، برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه کاشان، ایران

۳. استادیار گروه معارف، دانشگاه اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول:

مقدمه

تعلیم و تربیت فرزندان امروز و فردا به معلمانی بانگیزه و کارآمد نیاز دارد. نقش معلم در توسعه پایدار به خوبی مشخص و با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت اجتماعی بالایی را برای این حرفه باید در نظر گرفت. نیل به یک معلم اثربخش که بتواند تدریس و در نتیجه آموزش و پرورش اثربخش را عاید سازد، پیشتر خود مستلزم تحقق شرایط و زمینه‌هایی است. از جمله این شرایط و زمینه‌ها، رعایت استانداردهای اخلاق حرفه معلمی است که حضور آنها موجب می‌شود معلم تمامی همت و توان خویش را به میدان عمل مدرسه و کلاس درس وارد سازد.

ابتدا درباره بحث اخلاق لازم به ذکر است که اخلاق شعبه‌ای از فلسفه است که در ماهیت خوبی و حق، یا به قول فلاسفه، در باب خوبی‌ها و حق‌ها به بحث و گفت‌وگو و کاوش و پژوهش می‌پردازد و می‌کوشد تا روشن سازد که انسان چگونه باید باشد یا در زندگی چگونه باید رفتار کند تا به خوشی و سعادت دست یابد. درست برخلاف روان‌شناسی که حالات و رفتار انسان را چنانکه هست بررسی می‌کند. به بیان دیگر، هدف اخلاق آن است که دستورالعمل‌هایی برای رفتار انسان در زندگی معین کند و بدین‌وسیله هنر زندگی کردن را به انسان بیاموزد. به همین جهت آن را «علمی دستوری» نامیده‌اند (دادبه، ۱۳۸۶: ۱۸۹). اخلاق حرفه‌ای نیز به‌منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد. اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از قوانین اخلاقی که در وهله اول، از ماهیت حرفه یا شغل به‌دست آمده است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸). در واقع اخلاق حرفه‌ای همانند اخلاق خانواده و اخلاق شهروندی از اقسام اخلاق کاربردی است و خود بر حسب گوناگونی مشاغل و حرفه‌ها، تنوع می‌یابد و یکی از اقسام اخلاق حرفه‌ای، اخلاق تعلیم و تربیت است (فرامرز قراملکی، برخوردار و موحدی، ۱۳۹۵: ۷۱).

اخلاق حرفه‌ای بر حسب طرف ارتباط و رابطه، چهارگونه قدسی، درون شخصی (تعامل و ارتباط با خود)، بین شخصی و برون شخصی است (فرامرز قراملکی، برخوردار و موحدی، ۱۳۹۵: ۶۸). طبق گفته ذوعلم (۱۳۹۸)، «رابطه» یا «تعامل»، یکی از مفاهیم اساسی سند تحول بنیادین برنامه درسی است. در الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی، عرصه‌های چهارگانه رابطه با خود، رابطه با خدا، رابطه با خلق خدا و رابطه با خلقت عرصه‌هایی هستند که پنج عنصر تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و معرفت، و عمل و اخلاق در بستر این رابطه‌ها شکل می‌گیرند و ارتقا می‌یابند.

پژوهشگران در این مقاله از بین چهار نوع ارتباط و تعامل معرفی شده، به بررسی مؤلفه‌های اخلاق حرفه معلمی در بحث ارتباط و تعامل با خود می‌پردازند. در باب اهمیت و ضرورت ارتباط و تعامل با خود به عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلمی باید اذعان داشت نفس و روح انسان همواره خواهان حرکت و پویایی است و حقیقت انسان چیزی جز کوشش و پویایی نیست. همچنان که خداوند می‌فرماید: ای انسان، حقیقتاً که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد. جهت‌دهی به این حرکت جبری، امری اختیاری است که در آیه فوق دو نوع

هدف برای آن ذکر شده است: ۱. هدف اصل حرکت که به‌طور طبیعی انجام می‌شود و انسان، به ملاقات پروردگار خود نائل خواهد شد. ۲. کیفیت ملاقات؛ اگر برای این حرکت، جهت درستی را انتخاب نموده باشد، ملاقاتش با سربلندی و اگر در انتخاب جهت صحیح برای حرکت درست عمل نکرده باشد، این ملاقات، تلخ و ناگوار خواهد بود. از این‌رو، میان نفس و مبدأ هستی (حق تعالی) رابطه کشش و جذب دائمی وجود دارد که ابتدا ناآگاهانه است، اما با تکامل و آگاهی نفس، تدریجاً به صورت آگاهانه در خواهد آمد. انسان به عنوان موجودی آگاه و مختار برای جهت صحیح بخشیدن به این حرکت نفس به سوی پروردگار، لازم است به خود بازگردد؛ به ارتباط و تعامل با خود بیاندیشد اینکه با خود چگونه رفتار کند؛ چه مهارت‌هایی را در تعامل با خود کسب کند؛ خود را بیابد و به ارزش و کرامت خود پی‌برد. آن‌گاه با توجه به آگاهی‌ها و گرایش‌های فطری به امانت گذاشته شده در وجودش، به بهترین نحو، به سوی هدف والای خلقتش گام بردارد (آل‌بویه، ۱۳۸۸: ۳) یا طبق تحقیق سعدی (۱۳۸۹) تعامل اخلاقی فرد با خویشتن اولین و نزدیکترین تعامل هر فرد است و نقش زیرساختی در تعاملات انسان دارد. در حقیقت، اگر انسان در تعامل با خود، موفق نباشد، در تعامل با غیر، هرگز موفق نخواهد بود. شخصی که در ارتباط با خود، به خویشتن احترام نمی‌گذارد و عزت نفس خود را پاس نمی‌دارد، در ارتباط با دیگران نیز این مسائل را رعایت نخواهد کرد. بنابراین، توجه به نقش مهم اخلاق درون شخصی، در آموزش و تربیت بسیار مهم است و تبیین صحیح این حوزه از اخلاق، نقش مهمی در سازندگی فرد، خانواده و جوامع بشری خواهد داشت. به همین جهت، نیاز به تحقیق و پژوهش در این حوزه از اخلاق، از ضروری‌ترین نیازهای پژوهشی است.

در نتیجه موضوع تعامل و ارتباط با خود در امر معلمی جهت شناخت و تقویت قابلیت‌های خود، موضوع مهمی قلمداد می‌شود و به این خاطر این موضوع مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ برای مثال، معتمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان دیدگاه ارتباطی شخصیت با تکیه بر منابع اسلامی موضوع ارتباط با خود را توضیح و در نهایت جدول متقاطعی از تعامل ارتباط‌های چهارگانه برای شناخت مؤلفه‌های مختلف شخصیت ارائه‌داد. مساعد و منطقی (۱۳۹۱) در بحث ارتباطات درون فردی از منظر اسلام به بررسی کارکردها، جهت‌گیری و شرایط آن پرداختند. سعدی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان تعامل اخلاقی فرد با خویشتن از دیدگاه استاد مطهری، اذعان داشت که حسن رابطه با غیر، از حسن رابطه با خود، ناشی می‌شود. همچنین ملاک ارتباط با خویش، تعادل قواست. سجادی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان، ضمن بررسی چهار نوع ارتباط انسان در بحث تعامل با خود به این نتیجه می‌رسد که ارتباط با خود به معنای خداگونه‌شدن پذیرفته شده است که تکامل بی‌نهایت را قابل پیش‌بینی می‌نماید. در پژوهش نوروزی و بدیعیان (۱۳۸۸) نیز عزت‌نفس که صلابت و اقتدار در برابر دشمنان را به همراه دارد و

همچنین تواضع در برابر دوستان و بندگان خدا از جمله آثار نقش تربیت دینی در ارتباط انسان با خود تلقی می‌شود.

بنابراین، بر اساس تحقیقات اشاره‌شده در بالا می‌توان اذعان داشت که در برخی از تحقیقات موضوع تعامل و ارتباط فرد با خود از نگاه آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و بر اساس آموزه‌های اسلامی پیشنهادهایی در زمینه تقویت و شناخت خود ارائه شده است. اما همچنان مطالعه وضع موجود در برخی از کشورها همچون کشور ایران، نشان می‌دهد کشور ایران به رغم دورنمای روشن تاریخی و تمدنی گرانبار و میراث زرین فرهنگی و دینی، در افق کنونی خود نسبت به کشورهای صنعتی و حتی برخی جوامع شرقی پیشرو، از وضعیتی مناسب شأن تاریخی خود در توسعه اخلاق حرفه‌ای به ویژه در بعد تعامل معلم با خود برخوردار نیست. این در حالی است که تاریخ فرهنگی و دینی این سرزمین حامل گنج‌های گرانباری از میراث غنی خود در این مورد است، تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) هدف‌محوری رسالت خود را تکمیل سجایای اخلاقی در روح و جان و رفتار انسان‌ها می‌داند. اما با وجود چنین پشتوانه و گذشته‌ای که اخلاق در آن محور آموزش، عمل، اشتغال افراد و اجتماع و نقطه جوشان نیروی پویایی جامعه اسلامی و ایرانی بوده است. جامعه کنونی ایران از فقدان یا نقصان دغدغه‌های اخلاقی در جرف کارکردی خود رنج می‌برد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶ به نقل از الماسیانی، ۱۳۹۵: ۴). طبق مطالعه شیخی، ادیب، حبیبی و محمودی (۱۳۹۸) نیز در ارتباط با وضع موجود، به نقش عوامل مختلف در شکل‌گیری اخلاق حرفه‌ای کم توجهی خاصی در بخش‌های مختلف در جهت توجه عمیق به اخلاق حرفه‌ای به عنوان یکی از ارکان اصلی رشد و تعالی مشاهده می‌شود و لازم است مسئولین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به این امر مهم توجه کرده و در برنامه‌ریزی‌های آینده برای آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گام‌های بلندی بردارند. یا طبق گزارش روزنامه ایران (۱۳۹۵) در محیط مدرسه مواردی از فساد اخلاقی معلمان در تعامل با دانش‌آموزان به چشم می‌خورد. از این رو، تحقیق حاضر جهت غلبه بر مسائل فوق، به بررسی آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- می‌پردازد تا مشخص شود با استنباط از آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- در بحث اخلاق حرفه معلمی به ویژه در راستای توجه به اخلاق درون فردی (ارتباط و تعامل با خود) که نقش زیرساختی را در تعاملات انسان (معلم-شاگرد) ایفا می‌کند، چه دستورات عملی و استانداردهایی جهت بهبود اخلاق درون‌فردی معلمان استخراج می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است انتخاب آثار و دیدگاه‌ها و سخنان امام علی-علیه‌السلام- جهت دست‌یابی به استانداردها و منشور اخلاق حرفه‌ای معلمی در بحث تعامل با خود بدان جهت بود که سخنان امام پس از قرآن از غنی‌ترین منابع اسلامی است که می‌توان جهت‌گیری‌ها و دیدگاه‌های اسلام را از آن استخراج نمود و از آن مهم‌تر اینکه طبق نظر باقری، کیایی و آذربایجانی (۱۳۹۲) این سخنان برگرفته از کلام انسانی است که احکام اسلام را به غایت در حوزه‌های مختلف فردی،

اجتماعی و حکومتی اجرا کرده است و به نوعی استخراج مؤلفه‌های اخلاق حرفه معلمی از این سخنان عینی‌تر، کاربردی‌تر و قابل‌اتکاتر می‌نماید.

لذا شاید امروزه برخی از افراد به این امر ایراد بگیرند که مطالعه افکار و اندیشه‌های کهن و قدیمی مطابق نیازها و اقتضائات زمان حال نباشد، اما باید یادآور شد که مطالعه افکار و اندیشه‌های کهن در بسیاری از مواقع خود الهام‌بخش و عامل و مبدأ شکل‌گیری افکار و ایده‌های متنوع است. به‌طوری‌که «تعلیم و تربیت از آن دسته از حوزه‌های معارف بشری است که با پیشینه تاریخی خود ارتباطی ناگسستنی دارد. از دیدگاه جامعه‌شناسانی همچون امیل دورکیم، شرط فهم مشکلات تربیتی و حل آنها، مطالعه تاریخ ظهور و تطور نهادها و نظریه‌های تربیتی هر فرهنگ یا تمدن است؛ زیرا نظام آموزشی هر جامعه، محصول تاریخ است و تنها به کمک تاریخ می‌توان آن را تبیین کرد» (کاردان، ۱۳۹۲: ۴). در نتیجه با انجام این پژوهش تاریخی تلاش می‌شود به سؤال ذیل پاسخ داده شود:

- با بررسی آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- در بحث اخلاق حرفه‌ای معلم به‌ویژه در راستای توجه به اخلاق درون‌فردی (ارتباط و تعامل با خود)، چه مؤلفه‌هایی در جهت بهبود اخلاق درون-فردی معلمان استخراج می‌شود؟

روش‌شناسی

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، از بین چهار روش اصلی که مارشال و راسمن برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق کیفی نام برده‌اند، شیوه بررسی اسناد و مدارک و یا روش کتابخانه‌ای است. در واقع یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر کار تحقیقی رجوع به منابع موجود در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی است. اگر محقق با استفاده از مدارک و اسناد می‌خواهد تحقیق کند، همچون پژوهش حاضر، باید بداند که بیشتر منابع را می‌تواند در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی برخط (آنلاین) پیدا کند. از این‌روست که روش استفاده از اسناد و مدارک را روش کتابخانه‌ای نیز می‌نامند. صاحب‌نظران روش مزبور را جامع‌ترین روش می‌دانند زیرا این شیوه نوعی استراتژی تحلیلی بوده و این روش از سایر روش‌های کیفی، عینی‌تر است» (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷: ۱۱۹). برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، به لحاظ کیفی بودن پژوهش گام‌های ذیل برداشته شد:

الف) مرحله تحلیل ابتدایی: این مرحله فقط به سازمان‌دهی اختصاص دارد. در واقع، مرحله مکاشفات است. ولی هدف آن این است که اندیشه‌های اولیه منظم شوند و به مرحله عمل درآیند، به نحوی که از یک طرح ابتدایی مشخص درباره چگونگی انجام عملیات پی‌درپی به طرح نهایی تحلیل بیانجامد. معمولاً این مرحله تحلیل ابتدایی سه مأموریت دارد: تنظیم فرضیات و اهداف، انتخاب

مدارکی که باید تحلیل شوند، تعیین معرف‌هایی که تفسیر نهایی بر مبنای آنها خواهد بود. این سه فعالیت لزوماً از نظر زمانی پشت سرهم قرار ندارند ولی با یکدیگر بسیار مرتبط هستند (باردن، ۱۳۷۴: ۱۰۷-۱۱۴). برای اینکه محقق مرحله ابتدایی را با موفقیت پشت سر بگذارد، طبق دیدگاه باردن بایستی در این مرحله در قرائت آزاد، انتخاب مدارک، تنظیم فرضیات و اهداف یا سؤالات، علامت‌گذاری نشانه‌ها و معرف‌ها و یا تهیه مواد قبل از شروع تحلیل اصلی، به تمام مؤلفه‌های مورد نیاز جهت اجرای صحیح آن توجه جامع و کامل داشته باشد.

ب) مرحله‌ی استخراج از اسناد و معناکاوی^۱ محتوا: در این مرحله، با توجه به سؤالات تحقیق، مقوله‌ها یا طبقاتی که باید به صورت اطلاعات گردآوری شوند و جنبه‌هایی از محتوا که باید تأویل و تفسیر گردند، مشخص می‌شوند (مارینگ،^۲ ۲۰۰۱). «اگر کارهای مختلف مربوط به تحلیل ابتدایی با دقت انجام شده باشند، خود مرحله تحلیل چیزی جز اداره کردن منظم تصمیمات اخذ شده نخواهد بود. چه در مواردی که روش‌های به‌کار گرفته شده دستی باشند یا عمل به‌وسیله کامپیوتر انجام شود، ادامه جریان برنامه خود به خود و پشت سرهم خواهد بود» (باردن، ۱۳۷۴: ۱۱۴).

ج) مرحله بررسی نتایج به‌دست‌آمده و تفسیر آن: نتایج خام به نحوی استخراج می‌شوند که معنی‌دار، گویا و معتبر باشند. زمانی که از تحلیل محتوا، نتایج معنی‌دار و مطمئنی به‌دست آمد، تحلیل‌گر می‌تواند استنباط و تفسیرهای خود را در مورد سؤالات و اهداف پیش‌بینی شده (باردن، ۱۳۷۴: ۱۱۵) داشته باشد. در واقع محقق یا تحلیل‌گر بر اساس توصیف اولیه نشانه‌ها و معرف‌های به‌دست آمده از طریق مراحل قبل، با استنباط به تفسیر داده‌های به‌دست‌آمده می‌پردازد. در واقع اگر توصیف اولین مرحله و لازم است و اگر تفسیر مرحله بعدی است، استنباط راه واسطه‌ای است که گذر صریح و بازرسی شده یکی را به دیگری ممکن می‌سازد (باردن، ۱۳۷۴: ۳۹-۴۰). در نتیجه تفسیر اطلاعات به‌دست آمده از طریق استنباط از روی داده‌ها و محتوایی که از طریق توصیف و طبقه بندی اطلاعات در مراحل قبل به‌دست می‌آید، تحقق می‌یابد.

لازم به ذکر است که جامعه و نمونه در این پژوهش یکسان است. در واقع، جامعه و نمونه در این تحقیق کتاب نهج‌البلاغه است و به صورت کامل بررسی شد و برای دستیابی به اهداف - از آنجایی که امام علی - علیه‌السلام - در نهج‌البلاغه به صورت مستقیم به مباحث مربوط به اخلاق حرفه‌ای معلم در ارتباط فرد با خود نپرداخت - در نتیجه در این پژوهش از طریق استنباط از آموزه‌های نهج‌البلاغه، به تفسیر آنها در راستای دستیابی به مفاهیم و نکات سودمند و تأثیرگذار برای توسعه اخلاق حرفه‌ای معلم اقدام گردید.

یافته‌ها

مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم با تأکید بر تعامل معلم با خود

فکور بودن

یکی از توانایی‌هایی انسان، قدرت شناخت واقعیات است؛ شناخت خود و جهان پیرامون و به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی. قوه عاقله انسان هر چه در درک حقایق توانا تر باشد، مقصد و مسیر و موانع حرکت به سوی مقصد را بهتر می‌شناسد و امکان رسیدن به کمال را بیشتر فراهم می‌کند. یکی از معیارهایی که در انتخاب راه صحیح معلم را یاری می‌کند شناخت غایت و نتیجه اعمال است. غایت عمل هر انسانی جلب منفعت و دفع زیان است. عقل، انسان را در شناخت غایت اعمال یاری می‌دهد. امام علی علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «پس آنکه با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش آن است که بیاندیشد آیا عمل او به سود اوست یا به زیان او؟ اگر به سود اوست ادامه دهد و اگر زیان‌بار است توقف کند؛ زیرا عمل‌کننده بدون آگاهی همچون رونده‌ای است که به بیراهه می‌رود پس هر چه در رفتن شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل‌کننده از روی آگاهی چون رونده بر راه راست است. پس بیننده باید به درستی بنگرد آیا رونده راه مستقیم است یا واپس‌گرا؟»^۱

در جای دیگر امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «عقل به نگهداری کردن تجربه‌ها و درس‌گرفتن از آنهاست.»^۲ بهره‌مندی از تجربه و سرگذشت دیگران یکی از نشانه‌های تعقل در زندگی و چه بسا امر آموزش است. چراکه، تجربیات دیگران، درس‌های آموزنده‌ای دارد که می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل و مشکلات باشد. لذا امام در سخنی دیگر شقی و تیره‌بخت را کسی معرفی می‌کند که از سود عقل و تجربه‌ای که به او داده شده است، محروم بوده باشد.^۳ البته همان‌گونه که علامه جعفری می‌گوید: «اصل ضرورت و ارزش تجربه فقط در فراگیری و سازندگی حیات مادی و معنوی انسان باید استخدام شود، نه در پدیده‌های ضد حیات و عوامل پوچ‌کننده آن» (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۱۷، ۱۳۵).

یکی دیگر از نمودهای عقل‌گرایی در شغل معلمی، کنترل زبان است. امام علی علیه‌السلام تعقل و تکمیل عقل را عامل در امان ماندن از آفات گوناگون زبان می‌شمارد؛ لذا بنا بر سخنان امام در نهج‌البلاغه در صورتی که مدیریت و مهار زبان و زمام کلام در اختیار قوه عاقله انسان قرار گیرد علاوه بر فواید بسیاری که نصیب افراد و اجتماعات می‌کند صاحب خویش را از ابتلائات و آفات آن

۱. فَالْناظِرُ بِالْعُلْبِ الْعَامِلِ بِالْبَصْرِ يَكُونُ مُبْتَدَأُ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ أَعْمَلَهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ فَإِنَّ الْعَامِلَ يَغْتَرِ عِلْمَ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ، فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ، وَ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ؛ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرًا أَسَائِرًا هُوَ أَمْ رَاجِعًا - خطبه ۱۵۴

۲. وَالْعَقْلُ جَفْظُ النَّحَاظِبِ - نامه ۳۱

۳. فَإِنَّ الشَّقِيَّ مِنْ حَرَمٍ نَفَعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعُقْلِ وَ التَّخْرِيقِ - نامه ۷۸

پرهیز می‌دهد: «هرگاه عقل یک انسان به نهایت مراتب آن برسد، سخن گفتن او به کاستی می‌گراید».^۱ «زبان شخص عاقل در پس پرده قوه فهم او قرار دارد؛ اما قوه فهم فرد احمق در پس پرده زبان وی».^۲ مقصود این کلام گهربار این است که: عاقل بدون اندیشه سخنی بر زبان نمی‌آورد لکن نادان بدون اندیشه لب به سخن می‌گشاید. کم‌گویی و گزیده‌گویی بیانگر کمال عقل است و کسی که گزیده‌گو باشد نشان می‌دهد که تا چه اندازه از میزان انسانیت یعنی عقل بهره برده است: سخن مرد وسیله سنجش عقل اوست.^۳ معلم باید بر حذر باشد از این که درباره چیزی که نسبت به آن آگاهی ندارد یا حقیقت آن را نمی‌داند، سخن بگوید چرا که از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، سخن انسان بیانگر میزان عقل اوست.

پس با استنباط از آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام-، در بحث رشد و ترقی معلم در ارتباط یا تعامل با خود، روشن شد که قوه عقل و اندیشه معلم باید بر افکار و اعمال او حاکم باشد. با حاکمیت تعقل و اندیشه بر زندگی فرد معلم، او با درایت، عملی را انجام و درباره عواقب کار خویش پیش از بروز هرگونه ابراز پیشیمانی تأمل می‌نماید. همچنین به موجب تعقل و اندیشه، معلم لازم است بر روی تجارب کسب‌شده تأمل و از آنها در موقعیت‌های مختلف درس عبرت بگیرد. یا معلمی که بر زندگی او در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، شغلی و... تعقل و اندیشه حاکم باشد، مدیریت و مهارت زبان و زمام کلام را در دست می‌گیرد و بدون تعقل حرفی را بر زبان جاری نمی‌کند تا موجب خدشه‌دار شدن نقش الگویی و هادی او در بین فراگیران شود. در نقش معلمی فکور تقلیدکننده محض نیست، بلکه ضمن توجه به دستاوردهای علم و نظر صاحب‌نظران و تجارب دیگران این خود معلم هست که در گام آخر در ارتباط با نوع واکنش با فراگیران و روش تدریس و ... با در نظر گرفتن تمام جوانب کار، اقدام می‌نماید. یعنی به برکت فکور بودن فرد دارای فلسفه شخصی می‌شود که در شرایط مختلف مطابق با اقتضات مختلف به صورت سنجیده تصمیم و اقدام می‌کند.

استقبال از تغییر و تحول
یکی از مهم‌ترین مباحث که در طول تاریخ مورد بحث متفکران بوده مسئله تغییرات (دگرگونی‌ها) در جوامع انسانی است؛ زیرا بدون تردید هیچ فرد و جامعه‌ای نیست که در گذر زمان در معرض تغییر قرار نگیرد و دچار تحول نگردد. تغییرات از نیازهای اساسی هر فرد و جوامع است. افراد و به ویژه معلمان اگر خود را با تغییرات هماهنگ‌ن سازند، در تعامل با دانش‌آموزان و درک نیازها و دنیای آنها و... با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. در آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- نیز بحث تغییر و

۱. إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ، نَقَصَ الْكَلَامُ - حکمت ۷۱

۲. لِسَانُ الْعَاقِلِ وَزَاءٌ قَلْبُهُ وَ قَلْبُ الْأَخْمَقِ وَزَاءٌ لِسَانُهُ - حکمت ۴۰

۳. كَلَامُ الرَّجُلِ مِيزَانُ عَقْلِهِ - غررالحکم، ص ۵۷۳

تحولات مورد توجه بوده و درباره عوامل به وجود آورنده تحولات می‌توان مطالبی را یافت که در اینجا به برخی از موارد اشاره می‌شود. با مراجعه به متون، می‌توان ادعا کرد؛ یکی از عوامل تغییر فردی و اجتماعی ایمان دینی است. در کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ادیان بخصوص دین مبین اسلام، به عنوان عامل کلی تغییر معرفی شده است. «به برکت دین، زندگیشان سامان یافت، در سایه دولتی قوی به عزت رسیدند و کارهایشان استوار گردید و دولتشان نیرومند شد. چنان که بر جهانیان و پادشاهان زمین در این کرانه و آن کران حاکم شدند. کار کسانی را به دست گرفتند که بر آنان حکومت می‌کردند و بر کسانی فرمان راندند که فرمانبردار آنان بودند.»^۱ از این رو، با تمسک به آموزه‌های دینی معلم می‌تواند در خود تحول و دگرگونی به وجود و از جمود فکری و رفتاری خارج گردد.

در آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- جهاد از دیگر عوامل مؤثر در تحول‌آفرینی رفتار معلم مورد توجه قرار گرفته و مهم تلقی می‌شود. «جهاد در راه خدا موجب اعتلای اسلام است.»^۲ آن حضرت جهاد را سبب پیروزی پیامبر اکرم (ص) بر دشمنان دین می‌خواند: «گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده او و فرستاده اوست. مردم را به طاعت خدا خواند و دشمنان او را با جهاد در دین مقهور گرداند» (هاشمی، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۳).

از دیگر عوامل تغییر امر به معروف و نهی از منکر است. «امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید تا بدترین شما حکمرانی‌تان را به دست نگیرند، آنگاه دعا کنید و پذیرفته نشود.»^۳ عامل دیگری که برای دگرگونی‌های فردی و اجتماعی در بر شمرده شده طبق نظر هاشمی (۱۳۷۶) انسجام اجتماعی است. «پس بنگرید چه سان می‌نمودند آنگاه که گروه‌ها فراهم بودند و همگان راه یک آرزو می‌پیمودند و راست و با هم سازوار و دست‌ها یکدیگر را مددکار بود. شمشیرها به یاری هم آخته و دیده‌ها به یک سو دوخته و اراده‌ها در پی یک چیز تاخته، آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی‌نمودند؟ پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید، چون میانشان جدایی افتاد و الفت به پراکندگی انجامید و سختی‌ها در دل‌هاشان گونه‌گون گردید. از هم جدا شدند و به حزب‌ها گراییدند و خدا لباس کرامت خود را از تنشانش بیرون آورد و نعمت فراخ خویش را از دستشان به‌در کرد و داستان آنان میان شما ماند و آن را برای پندگیرندگان عبرت گردانید.»^۴ در نتیجه برای از قوه به فعل درآمدن قوای انسانی و ایجاد تحول و دگرگونی، اولین گام حرکت است.

۱. قد تریعت الامور بهم فی ظل سلطان قاهر و آوتم الحال الی کنف عز غالب و تعطففت الامور علیهم فی ذوی ملک ثابت، فهم حکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین یملکون الامور علی من کان یملکها علیهم و یعضون الاحکام فی من کان یعضیها فیهم

۲. الجهاد فی سبیلہ، فانه ذروة الاسلام خطبه ۱۱۰

۳. لا ترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم خطبه ۱۹۲ نامه ۴۷

۴. فانظروا کیف کانوا حیث کانت الاملاء مجتمعة و الاهواء مؤتلفة و القلوب معتدلة و الایدی مترادفة و السیوف متناصرة و البصائر نافذة و العزائم واحدة، لم یکنوا اربابا فی اقطار الارضین و ملوکا علی رقاب العالمین؟ فانظروا الی ما صاروالیه فی آخر امورهم حین وقعت الفرقة و تشتت الالفة و اختلفت الكلمة و الافدة و تشعبوا مختلفین و تفرقوا متحاربین قد خلع الله عنهم لباس کرامته و سلهم غضارة نعمته و بقی قصص اخبارهم فیکم عبرا للمعتبرین خطبه ۱۹۲

وقتی انسان حرکت کرد، زنده می‌شود و با تفکر و انتخاب درست مسیر از ظلمات به نور می‌رسید. به همین جهت، انسان‌های متفکر جامد و خمود نیستند، بلکه از طریق فراگیری آموزه‌های دینی، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تلاش برای انسجام اجتماعی پویا و در حال حرکت هستند و نتیجه این حرکت چیزی جز خلاقیت نخواهد بود.

حتی امام علی -علیه‌السلام- در مقام انسان حی متعالی، همواره انسان را به کار و تلاش و پویایی دعوت کرده‌اند؛ «بر شما باد به تلاش و سخت‌کوشی و مهیا شدن و آماده‌گشتن»^۱ چون تلاش و کار عامل به وجود آورنده تحولات و تغییرات است. ایشان میزان ارزشمندی هر فرد را مقدار کار و تلاش او می‌دانند؛ «اندازه هر کس به اندازه همت او است»^۲ و تنبلی و کسالت را سد راه موفقیت و مانع رسیدن به اهداف و آرزوها و تحولات معرفی می‌کنند؛ «أفت موفقیت تنبلی است»^۳، «کسی که پیوسته تنبلی کند، در رسیدن به آرزویش ناکام ماند»^۴.

در بحث تحولات و تغییرات، ترس به عنوان مانع بزرگ قلمداد می‌شود. در نگاه امام علی -علیه‌السلام- یک معلم نباید به خاطر ترس از سختی کار از انجام آن سرباز زند بلکه باید با شجاعت به آن عمل نماید و با شکیبایی آن را به اتمام رساند؛ «هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن بینداز، زیرا ترس شدید از آن کار، دشوارتر و زیان‌بارتر از اقدام به آن کار است»^۵ «کار کنید و آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید؛ آن‌گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید. همانا شما را پایانی است پس، خود را به آن پایان رسانید»^۶ پس به‌طور کلی معلم در تعامل با خود می‌تواند با تلاش و کوشش و با غلبه بر ترس، از طریق فراگیری بیشتر آموزه‌های دینی در خود و در مرحله بعد در دانش‌آموزان تغییر و تحولات به‌وجود آورد و همچنین معلم می‌تواند با اقداماتی همچون تلاش در مسیر ایجاد انسجام اجتماعی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در خود و دیگران تغییراتی را ایجاد نماید.

باور به نیروی فراطبیعی و ذکر او
 باور به نیروی فراطبیعی و ذکر او
 حقیقت ذکر، توجه قلبی و باطنی انسان به ساحت قدس پروردگار است. ذکر خدا، عبارت است از یک حالت خدایینی روحانی و توجه باطنی به خدای جهان به گونه‌ای که آدمی، خدا را حاضر و ناظر خویش در محضر پروردگار جهان بداند. کسی که این‌چنین به یاد خدا باشد به دستورات خدا عمل می‌کند، واجبات را انجام می‌دهد و محرمات را ترک می‌کند. امام علی -علیه‌السلام- می‌فرماید:

۱. عَلِيكُمْ بِالْحِدَى وَالْإِجْتِهَادِ وَالْتَأْتِبِ وَالِاسْتِعْدَادِ - وسائل الشیعه ج ۱، ص ۹۲، ح ۲۱۷

۲. قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هَيْبَتِهِ - حکمت ۴۷

۳. أَفْتَهُ النَّجْحُ الْكَمَلُ

۴. مَنْ دَامَ كَسَلُهُ خَابَ أَمَلُهُ - غررالحکم و دررالکلم ص ۴۶۳، ح ۱۰۶۲۷

۵. إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَتَقَعْ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ - حکمت ۱۷۵

۶. الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهْيُ الْبَاطِنُ، وَالِاسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَالْوَعْدُ، إِنَّ لَكُمْ نَهْيًا قَانَتْهُوَ إِلَى مَا يَنْبَغُكُمْ - خطبه ۱۷۶

«خدای سبحان را از روی سهو و غفلت ذکر نگو و او را فراموش مکن، خدای را ذکر کامل بگو به-طوری که قلب و زبانت همراه و باطن و ظاهر هماهنگ باشند. خدا را به حقیقت ذکر یاد نمی‌کنی جز در صورتی که در حال ذکر، نفس خودت را فراموش کنی و در انجام کار، خودت را نیابی» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹). هنگامی که یک معلم، نام خدا را به عظمت می‌برد و همواره به یاد پروردگار است و اوصاف جمال و جلالش را از علم و قدرت و سمع و بصر و مقام رحمانیت و رحیمیت و مراقبت او را بر می‌شمارد پرده‌های غفلت از مقابل چشم او کنار می‌رود و حق را به خوبی می‌بیند. «خدای سبحان یاد خود را مایه جلای قلب‌ها قرار داده که بر اثر آن گوش، پس از سنگینی (بر اثر غفلت) شنوا شود و چشم پس از کم‌سویی بینا گردد و از لجاجت و عناد به اطاعت و انقیاد بازگردد و رام شود».^۲

معلمی که اهل ذکر و همواره به یاد پروردگار است، قوای دیگران را نورانی می‌کند و به منزله راهنما و نشانه خداوند است؛ «آنان (اهل ذکر) نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌هایند. آن‌را که راه میانه در پیش گرفت می‌ستوندند و به رستگاری بشارت می‌دادند و آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می‌شد، روش او را زشت می‌شمردند و از نابودی هشدار می‌دادند. همچنان چراغ تاریکی‌ها و راهنمای پرتگاه‌ها بودند»^۳ و در مقابل معلمی که از یاد خداوند غفلت ورزیده دیده‌بصیرتش کور^۴ و قلبش می‌میرد^۵ پس ذکر باعث فروزان شدن قوه ادراک معلم و جوشش فکر و اندیشه او می‌شود. جان او شایستگی این را پیدا می‌کند که منعکس‌کننده حقایق غیبی در خود گردد و خداوند به اندیشه و عقل او مدد رساند «و همواره برای خدای تعالی - که نعمت‌هایش بزرگ است - در هر برهه‌ای بعد از برهه دیگر و در دوران‌های نبودن پیامبران و سستی دین، بندگان بوده‌اند که خداوند در اندیشه‌هایشان با آنان راز گفته و در عقل‌هایشان با آنان سخن می‌گفته است. اینان چراغ هدایت را به روشنایی بیداری در دیده‌ها و گوش‌ها و دل‌ها افروختند».^۶ در نتیجه، طبق آموزه‌های امام علی- علیه‌السلام- معلمی در تعامل با خود و در جهت سازندگی خویش از طریق ذکر و یاد خدا، به عظمت و قدرت ماورطبیعی خداوند پی می‌برد و همین منجر می‌شود به خود مغرور نشده و در راستای ارتقای قوه ادراکی و روحانی خویش جهت قرب الهی حرکت کند. همچنین معلمی که

۱. لا تَذْكُرُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ سَاهِيًا وَ لَا تَنْسَهُ لَاهِيًا وَادْكُرْ ذِكْرًا كَامِلًا يُوَافِقُ فِيهِ قَلْبُكَ وَ لِسَانُكَ وَ يَطَائِقُ اضْمَارَكَ وَ اِعْلَانُكَ وَ لَنْ تَذْكُرَهُ حَقِيقَةً الذِّكْرُ حَتَّى تَنْسَى نَفْسَكَ فِي ذِكْرِكَ وَ تَنْفَقَهَا فِي امْرِكَ

۲. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرِ، وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ، وَ تَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ- خطبه ۲۲۲

۳. مَثَلُ الْأَدْلِيِّ فِي الْقُلُوبِ، مَنْ أَخَذَ الضَّمْدَ حَمْدًا إِلَى طَرِيقِهِ، وَ بَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَ مَنْ أَخَذَ حَيْبًا وَ شَمَالًا دُمًّا إِلَى الطَّرِيقِ، وَ حَذَّرُوهُ مِنَ الْمَلَكَةِ وَ كَانُوا كَذَلِكَ مَضَائِجَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ، وَ أدِلَّةُ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ- خطبه ۲۲۲

۴. دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمِي الْبَصِيرَةَ- غرر الحكم، ح ۵۱۴۶

۵. مَنْ عَابَتْ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ- غرر الحكم، ج ۵، ص ۲۹۳

۶. وَ مَا بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَزَّتْ آلاؤُهُ فِي الْبُرَيْعَةِ بَعْدَ الْبُرَيْعَةِ وَ فِي أَرْزَانِ الْفَتَرَاتِ عِبَادًا نَاحَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلْمِهِمْ فِي ذَاتِ عُمْلِهِمْ، فَاسْتَصْبَحُوا يُنُورُ بِقَطْرَةِ فِي [الْأَسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ] الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَفْيِدَةِ- خطبه ۲۲۲

همیشه به یاد پروردگار هست، در همه حال او را ناظر اعمال خود می‌بیند و همین امر منجر می‌شود در تعامل با فراگیران یا سایر همکاران عادلانه برخورد نماید و موجب ضرر و زیان به اطرافیان نشده و وظایف و مسئولیت‌های معلمی خویش را به نحو احسن ایفا نماید.

هدفمندی

انسان موجودی کمال‌گرا و هدفمند بوده و از بیهودگی و بی‌معنایی گریزان است. معلمی که هدف و مسیری را انتخاب کرده است، اگر با برنامه باشد پیوسته به هدف توجه داشته، سعی می‌کند از مسیر رسیدن به آن منحرف نگردد تا زودتر به مقصد برسد. معلم مؤمنی که می‌داند «مقصد اصلی رسیدن به قرب الهی و مسیر مستقیم آن بندگی خداوند است»^۱ توجه دارد که دنیا تنها وسیله‌ای است برای رسیدن به آخرت، به همین دلیل جاذبه‌های مادی او را فریفته نمی‌سازد و از مسیر دور نمی‌کند و اگر مرگ او فرا رسد، با دستی پر و توشه‌ای سرشار بسوی خداوند می‌رود.

به‌طور کلی، داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار است. معلم زمانی امنیت خاطر و آرامش دارد که افق روشنی برای آینده خود ترسیم کند و با انگیزه و رضایت درونی برای رسیدن به آنچه در آن افق مد نظر دارد، تلاش کند. بدترین حالت، زمانی است که احساس سرگردانی کند و بلا تکلیف بماند. لذا در این عمر کوتاه زندگی، رسیدن به همه اهداف و آرزوها ممکن نیست؛ بنابراین باید هدفی را که ارزشمندتر است انتخاب نمود. اگر اهداف متفاوت و متعدد دنبال شود نتیجه‌ای جز شکست و ناکامی نخواهد داشت. امام علی -علیه‌السلام- در این باره می‌فرماید: «کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده، پیروز نمی‌گردد»^۲ و اگر به جایی هم برسد امور مهم‌تر را از دست خواهد داد. «هر کس به آنچه مهم نیست پردازد، کار مهم‌تر را از دست بدهد»^۳.

معلم به‌عنوان یک انسانی که مهمترین وظیفه آموزش و پرورش نسل آدمی را بر عهده دارد باید هدف خود را مشخص کند و بعد از اینکه مهمترین هدف را شناسایی کرد، با تمام توان جهت رسیدن به آن تلاش نماید. چرا که موفقیت انسان در کارهایی است که فکر و اندیشه را در همان کار بکار می‌گیرد. «فکر تو وسعتی که همه امور را فرا بگیرد ندارد، پس آن را برای امور مهم فارغ بگذار»^۴. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که انسان برای رسیدن به هدف مجاز نیست از هر وسیله‌ای استفاده کند. به‌دیگر سخن، هیچ‌وقت هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. علی -علیه‌السلام-

۱. وَ أَنْ اغْتَدُونِي هَذَا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا - یس ۶۱

۲. مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ خَذَلْتَهُ الْحَيَالُ - حکمت ۴۰۳

۳. مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمَهْمِ ضَيَّعَ الْأَهَمَّ - غرالحکم ۸۶۰۷

۴. إِنْ رَأَيْتَ لَا يَتَّبِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَرَّغَهُ لِلْمَهْمِ - غرالحکم ۱۰۹۴۴

در این زمینه فرمودند: «کسی که گناه به وسیله او پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با بدی غلبه کند، شکست خورده است»^۱.

پس معلمی که به آخرت و حیات پس از مرگ معتقد شد و دانست که هدف نهایی زندگی آمادگی برای سفر آخرت است آنگاه تمام زندگی‌اش را به درستی و در همین راستا سامان‌دهی می‌کند و از حیرت و گمراهی و سرگستگی نجات می‌یابد. چنین معلمی شغل و کار و تلاش و تمام فعالیت‌های اجتماعی و فردی‌اش در این راستا خواهد بود. البته نه اینکه دنیا را فراموش کند، نه بلکه به دنیا به گونه‌ای بها می‌دهد و می‌پردازد که به آخرتش آسیب نرساند و در راستای رشد معنوی و حیات آخرتی‌اش باشد. بنابراین معلم در ارتباط با خود و در جهت ارتقای خویشتن باید هدفمند باشد. لذا هدفمندی برای یک معلم کارکردهای متنوعی دارد. برای مثال، هدف به زندگی معلم معنا می‌بخشد و نبود آن منجر به پوچی، بی‌انگیزگی و ناامیدی و مشکلات متنوع می‌شود یا هدفمندی به تمام فعالیت‌ها، افکار و انرژی معلم وحدت و نظم می‌بخشد. اگر در زندگی معلم هدفی وجود نداشته باشد او از خود تلاشی نشان نمی‌دهد و ظرفیت‌های وجودی‌اش بالفعل نخواهد شد. معلم هدفمند، از زمان، امکانات و منابع به بهترین شکل ممکن استفاده می‌کند و مانع هدر رفتن منابع و ... می‌شود. یا معلم هدفمند از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است چون زمانی که در فعالیت‌های آموزشی به موفقیتی می‌رسد (یعنی به اهداف آموزشی می‌رسد) احساس خوشایند، آرامش کرده و این موجب ارتقای اعتماد به نفس او شود.

نظم و برنامه‌ریزی

نظم و برنامه‌ریزی، از مسائل بسیار مهم است که بدون آن، هیچ کاری سامان نمی‌یابد. نظم در لغت به معنای آراستن، بر پا داشتن، ترتیب‌دادن کار است (صفی‌پور شیرازی، ۱۳۸۸). جهان مادی، جهانی منظم و مرتب است و هیچ موجودی بدون حساب و بیهوده آفریده نشده است و انسان نیز که یکی از پدیده‌های این جهان است، طبیعی است که نظم و ترتیب را در زندگی خویش مراعات کند. یک معلم برای رسیدن به موفقیت باید با یک برنامه‌ریزی دقیق و منطقی برای استفاده بهینه از فرصت‌ها، تمام کارهای روزانه خود را انجام دهد و از درهم ریختگی و بی‌نظمی در زندگی که عامل رکود است، به شدت دوری کند. امام علی-علیه السلام- در اولین جمله وصیتنامه خود به فرزندان خویش این‌گونه می‌فرماید: «شما و همه فرزندان و کسانم و هرکسی را که نوشته‌ام به او می‌رسد، به تقوای خدا و نظم‌داشتن در کارتان سفارش می‌کنم»^۲.

طبق آموزه‌های امام علی-علیه السلام-، معلم به‌عنوان فردی که رسالت مهمی را در جوامع بشری ایفا می‌کند، باید کارها و فعالیت‌های خود را سامان دهد و جایگاه زمان همه خواسته‌ها و

۱. مَا ظَفَرَ مِنْ ظَفَرِ الْأَيْمَنِ بِهٖ، وَ الْأَعْلَىٰ بِالسُّرِّ مَعْلُوبٌ-حکمت ۳۲۷

۲. أَوْصِيكُمْما وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ- نامه ۴۷

نیازمندی‌های خویش را معین کند. فرد منظم و با برنامه در تار و پود زمان و مکان فعالیت‌ها و اعمال خود را چنان به جا و به اندازه قرار می‌دهد که در نهایت بافته‌ای زیبا و لطیف پدید می‌آورد. سبحانی (۱۳۸۲) با تکیه بر آموزه‌های امام علی-علیه‌السلام- می‌نویسد: «انسان با ایمان ساعات شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می‌کند و قسمت دیگری را برای ترمیم معاش و کسب و کار زندگی قرار می‌دهد و قسمت سوم را برای بهره‌گیری از لذات حلال و دلپسند می‌گذارد و سزاوار نیست که انسان عاقل حرکتش جز در سه چیز باشد: مرمت معاش، گامی در راه معاد و لذت در غیر حرام»^۱.

یک معلم با برنامه‌ریزی از پراکنده‌ساختن زمان و فرسودن خویش در گذر آن می‌پرهیزد و از عمر خود - که اصلی‌ترین سرمایه اوست، بهترین بهره‌ها را می‌برد و می‌تواند با رفتار و عملکرد منظم خود بهترین الگو برای دانش‌آموزان خود بوده و به آنان نظم و برنامه‌ریزی را آموزش دهد. بی‌نظمی مایه از دست رفتن فرصت‌های گرانبها و طلایی می‌شود و افراد در عمل ناکام می‌مانند. معلم باید «از فرصت خود پیش از آنکه غصه شود، استفاده کند.»^۲ انسان بی‌نظم به دلیل سستی و تنبلی در بهره‌جستن از فرصت‌ها عمر خود را به بطالت از دست می‌دهد و بی‌نظمی موجب پشیمانی و حسرت خواهد شد. امیرالمؤمنین -علیه‌السلام- در این باره می‌فرماید: «هرکس که وقتش به پایان رسیده، مهلت می‌خواهد و آن کسی که فرصت دارد، بهانه جوئی می‌کند که وقت کم دارم!»^۳ بنابراین معلمی که زندگی، رفتار و حتی فکرش را با نظم تنظیم کند و به این ویژگی پسندیده، آراسته باشد الگوی مؤثری برای دانش‌آموزان خواهد بود. در نتیجه معلم از همین راه (نظم و برنامه‌ریزی)، دانش‌آموزان را به اجرای نظم و انضباط در کارها سوق خواهد داد. بهره‌گیری بیشتر از زندگی، نتیجه‌بخشی کارها، تنظیم افکار و جلوگیری از اتلاف عمر دیگران از دیگر پیامدهای نظم و برنامه‌ریزی در کارهای معلم است. در واقع معلمی که در زندگی خود و در تعامل با خود، منظم و کارهایش را بر اساس یک برنامه‌ریزی حساب شده تحقق می‌بخشد در برخورد با دانش‌آموزان نیز نظم را رعایت و از به هدر رفتن وقت و عمر آنان جلوگیری می‌نماید. چون با تحقق نظم و سامان دادن امور، سبب می‌شود تا دانش‌آموزان در طول مدت زمانی که با او هستند، بیشترین بهره را کسب و عمرشان پربارتر گردد.

عزت نفس و پرهیز از خودپسندی

یکی از برجسته‌ترین صفات بازر هر مؤمن و انسان وارسته‌ای عزت نفس است. انسان مؤمن هیچ‌گاه خود را برتر نمی‌داند و از عجب بری است. هیچ‌گاه دیگران را نسبت به خود پست نمی‌شمارد و از

۱. لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُتَاجَى فِيهَا رَبُّهُ، وَسَاعَةٌ يُرْمَى مَعَاشُهُ، وَسَاعَةٌ يُحَلِّي بِرَبِّ نَفْسِهِ وَ بَرِّئَ لَدَيْهَا فِيمَا جَلَّ وَ جَمَّلَ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا

إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خَطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَدَّةٌ فِي عَمْرِ مَحْرَمٍ-حکمت ۳۹۰

۲. بَادِرُ الْفُرْصَةِ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً- نامه ۳۱

۳. كُلُّ مَعَاخِلٍ يَسْأَلُ الْأَنْظَارَ، وَكُلُّ مُؤَخَّلٍ يَتَعَلَّلُ بِالتَّسْوِيفِ- حکمت ۲۸۵

کبر به دور است، ولی حاضر نیست خود را ملعبه دست دیگران قرار دهد و در مقابل هر کسی دست دراز کرده و خود را خرد کند. آئین مقدس اسلام مسئله عزت و ذلت را در تعالیم خود مورد کمال توجه قرار داده و مسلمانان را موظف نموده است که در حفظ عز و احترام خود کوشا باشند؛ بزرگواری و شرافت خویش را از آسیب مصون دارند و از گفتار و رفتاری که به ذلت و خواری آنان می‌انجامد اجتناب نمایند.

امام علی -علیه السلام- می‌فرماید: «هر کس را نفس کریم و بزرگوار شد (خود را ارجمند دانست) شهوت‌هایش نزد او خوار می‌گردد (از آن پیروی ننماید تا به ذلت و خواری نیفتد)»^۱.

معلمی که از کرامت نفس برخوردار است، انواع شهوات در نظرش بی‌اهمیت می‌شود؛ خود را به گناه آلوده نساخته و در بحث آموزش حقی را ضایع نخواهد کرد و نفس خویش را بی‌ارزش نمی‌سازد چرا که: «هر کس برای خویش ارزش قائل باشد، آن را با معصیت، بی‌ارزش نمی‌سازد». بنابراین یک معلم عزتمند و مؤمن حتی اگر خدا هم او را از تجاوز به حقوق کسی نهی نفرموده باشد باز حق کسی را ضایع نمی‌سازد، زیرا برای نفس خویش ارزش و کرامت قائل است. امیرالمومنین -علیه السلام- در این باره می‌فرماید: «اگر خدای سبحان [هم] از نارواها نهی نمی‌کرد، بر خردمند لازم بود که از آنها دوری کند»^۲ (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۷۵۹۵). معلمی که خود دارای عزت نفس سالم باشد، بهتر می‌تواند به دانش‌آموزان خود عزت نفس بدهد. به‌طور کلی اینکه امروزه گاهی شنیده می‌شود معلمی از دانش‌آموزان پول می‌گیرد و در قبال آن سؤالات آزمون را در اختیار آنها قرار می‌دهد، نشان می‌دهد که آن معلم در تعامل با خود از عزت نفس برخوردار نیست و نفس خویش را تحقیر می‌کند و خود همین اخلاق ناپسند را در بین تماشاگران ترویج می‌نماید.

لازم به ذکر است که خودپسندی و عجب متفاوت از عزت نفس است. خودپسندی آن است که آدمی به سبب عمل، کمال، مال، زیبایی، منصب و مقام و اموری از این دست، خود را بزرگ بشمارد. انسان خودپسند، کسی است که گمان می‌کند ویژگی‌های ممتاز و برجسته و اعمال مهمی دارد؛ خواه این گمان او واقعیت داشته باشد و خواه توهمی بیش نباشد. از کسی که بر اثر عجب، تنها خود را می‌بیند، انتظار نمی‌رود که خدا را ببیند تا در برابر بزرگی او فروتنی اختیار کند. در نگاه امام علی -علیه السلام- قدرت، پست و مقام، از زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری خودپسندی معرفی شده است. بنابراین، معلم در هر جایگاهی که باشد، باید دقت کند که شایستگی‌های او زمینه خودستایی را در ایشان فراهم نسازد.

۱. مَنْ كَرِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا - تحف العقول ص ۲۷۸

۲. مَنْ كَرِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ - حکمت ۴۴۹

۳. لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ مَخَارِمِهِ لَوْجِبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ

حضرت در این باره می‌فرماید: «برای نادانی تو همین بس که به دانش خود بنازی»^۱. اگر معلم چیزی را نمی‌داند نباید از روی عجب و خودپسندی از گفتن نمیدانم ابا کند چرا که «نمی‌دانم گفتن نیمی از دانش است»^۲. از معلمی که بر اثر عجب، تنها خود را می‌بیند، انتظار نمی‌رود که خدا را ببیند تا در برابر بزرگی او فروتنی اختیار کند چرا که «انسان بلند مرتبه چون به فهم و دانایی رسد، متواضع می‌شود»^۳. معلم باید به حرکات و برخوردهای خود هنگام ملاقات، مصاحبت و جدایی، با اخلاق نیک اسلامی هماهنگ بوده، و از هرگونه تکبر و خودپسندی، و برخوردهای خصمانه و بیمارگونه دور باشد، تا موجب صفا و صمیمیت بین او و دانش‌آموزان گردد. چرا که «بالاترین درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسندیده و سرکوب اخلاق ناپسند است»^۴. پس لازم است معلم ضمن حفظ عزت نفس، گرفتار خودپسندی و عجب نگردد. چون طبق گفته امام علی -علیه‌السلام-، «خودپسندی و غرور، مانع پیشرفت و کمال است»^۵. خودپسندی و عجب معلم، عزت نفس وی را از بین می‌برد و اطرافیان و دانش‌آموزان دور او را خالی می‌کنند.

خودمحاسبه‌گری

در تعامل با خود معلم باید از نفس خویش مراقبت کند. مراقبه به این معناست که انسان هر روز که از خواب بیدار می‌شود، قصد جدی کند که هر عملی که پیش آید رضای خدا را در آن مراعات کند و تا وقت خواب همچنان مراقب باشد تا کارهایش نفع آخرتی داشته باشد. معلم بایستی در پایان روز کارهایی را که انجام داده محاسبه کند تا هر کدام را که مطابق رضای خدا انجام داده شکر کند و هر کدام را که تخلف بوده استغفار کند و این رویه را هر روز ادامه دهد. معلم در مقام فردی که وظیفه انسان‌سازی را بر عهده دارد باید همواره نفس خود را بررسی کند تا از مسیر درست منحرف نگردد. امیرالمؤمنین علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «اگر همت والای اصلاح مردم را در سر داری، از خودت آغاز کن، زیرا پرداختن تو به اصلاح دیگران در حالی که خود فاسد باشی بزرگترین عیب است»^۶. در واقع معلم باید خداوند را همه‌جا ناظر و حاضر ببیند و دائم در حال مراقبت باشد و آنی از نفس خود غافل نشود. مسلماً هر کس با خلوص نیت و با کمال کوشش با نفس و شیطان و هوای نفس مجاهده نماید و بر احوال نفسش مراقبت نماید و به همان طریقی که پیشوایان ما رفتند گام بردارد کامیاب و سعادت‌مند خواهد شد. «بندگان خدا، خود را بسنجید قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید؛ پیش از آنکه حسابتان را برسند حساب خود را برسید و پیش از آنکه راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید و

۱. حسبک من الجهل ان تعجب بعلمک

۲. قول " لا اعلم " نصف العلم

۳. إذا تَفَقَّهَ الرَّفِيعُ تَوَاضَعَ؛ - غررالحکم، ص ۲۸۵

۴. رَأْسُ الْعِلْمِ التَّشْيِيرُ بَيْنَ الْأَخْلَاقِ وَ إِظْهَارُ مَحْمُودِهَا وَ قَتْلُ مَذْمُومِهَا- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۷۸

۵. الإِعْجَابُ يَمْنَعُ الْإِزْدِيَادَ حِكْمَتِ ۱۶۷

۶. إِنَّ سَمْتَ هَمَّتِكَ لِإِصْلَاحِ النَّاسِ قَابِدَةٌ يَنْفِيسِكِ، فَإِنَّ تَعَاظِيكَ صِلَاحَ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ فَايِدُ أَكْبَرَ الْعَيْبِ

پیش از آنکه با زور شما را به اطاعت وادارند فرمانبردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود»^۱. معلم بایستی ارزش و وزن اعمال خویش را بلکه وزن خودش را از نظر ایمان و اخلاق معین کند و به حساب آن برسد تا اگر ضرر و کاستی در اعمال اوست هر چه زودتر در مقام جبران برآید و نوبت به وزن و حساب آخرت نرسد که آنجا راهی برای جبران نیست. در واقع محاسبه دقیق، وقتی ممکن می‌شود که به یاد محاسبه دقیق قیامت باشیم. معلم سودمند، معلمی است که از نفس خود حساب‌رسی کند. خداوند را شاهد و ناظر خود ببیند و در نهایت خود را به کمال حقیقی برساند. «کسی که از خود حساب کشد، سود می‌برد و آن‌که از خود غفلت کند زیان می‌بیند و کسی که از خدا بترسد ایمن باشد و کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد و آن‌که آگاهی یابد می‌فهمد و آن‌که بفهمد دانش آموخته است». آپس لازم است عمل خود محاسبه‌گری برای معلم به‌صورت عادت درآید تا هر روز قبل از شروع روز جدید اعمال، رفتار و سخنان خود را در طول آن روز بسنجد و خود را در جایگاه دیگران تصور کند که چنین اعمالی را شاهد بوده و یا چنین سخنانی را شنیده است. بعد درباره آنها تفکر و تأمل کند که آیا چنین اعمال و سخنانی برای او خوشایند است یا نه؟ اگر خوشایند نباشد سعی کند در روزهای دیگر به اصلاح آن بپردازد. چنین رویه‌ای باعث می‌شود در گذر زمان تمام اعمال و سخنان معلم حساب شده و از روی تأمل و تفکر باشد. در نتیجه محصول خودمحاسبه-گری منجر به ایجاد و شکل‌گیری روابط گرم و صمیمی بین معلم و دانش‌آموزان می‌شود.

پشتکار و تداوم کارها

یکی از مؤثرترین عوامل بالندگی انسان تلاش و پشتکار در امور مثبت مادی و معنوی است. تمرکز معلم بر یک کار و استمرار بر آن در شرایط و حالت‌های گوناگون، زمینه‌ساز رشد مادی و معنوی او می‌شود. انجام کار اندک که همراه با پشتکار و تداوم باشد بهتر از کارهای زیادی است که نیمه‌تمام رها شده باشند. «کار (خیر) اندک، که بر آن مداومت ورزی، از کار بسیار که از آن خسته شوی امیدوارکننده‌تر است»^۲. معلم باید تلاش خود را صرف اموری کند لازم و ضروری است و در انجام آنها ثابت‌قدم بوده و از انجام کارهای بیهوده پرهیز کند. «همت خود را صرف چیزهایی کن که به آن نیاز داری و آنچه را به کارت نمی‌آید پی‌گیری مکن»^۴

۱. عباد الله، زلوا أنفسکم من قبل أن تؤزوا، وحاسبوها من قبل أن تحاسبوا، وتنفسوا قبل ضيق الحنق، وانقادوا قبل غضب السنيق، واعلموا أنه من لم يعن (

علي نفسه حتى يكون له منها واعظ وراجز، لم يكن له من غيرها راجز ولا واعظ خطبه ۹۰

۲. من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر- و من خاف أمن و من اعتبر أضر- و من أبصر فهم و من فهم عليم حکمت ۲۰۸

۳. قليل تدمر عليه، أرحى من كثير تملول منه - حکمت ۲۷۸

۴. اقصر همتك على ما يلزمك و لا تخض فيما لا يعينك- غررالحکم و دررالکلم ص ۴۷۷، ح ۱۰۹۳۶

معلمی که طالب موفقیت است باید خود را از تن‌پروری به‌دور کند و با تمام توان خود، به تلاش و کوشش بپردازد. مولا علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به‌دست‌آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست». همچنین یک معلم باید از همراهی با انسان‌های دون همت و بدون پشتکار پرهیز کند و بر آنها تکیه نزند. آن حضرت توصیه کردند: «بر آنکس که پشت کار ندارد تکیه مکن». پس یک معلم همواره باید بلندهمت و کوشا بوده و هرگاه به مقصد و جایگاه علمی رسید کریمانه دانش خود را به دانش‌آموزان بیاموزد؛ «هرگاه در پی چیزی هستی، بلند همت باش و آن‌گاه که چیره شوی، در پیروزی کریم باش»^۳ در اهمیت پشتکار لازم به ذکر است؛ امروزه در جامعه‌ای اگر فردی به دستاورد قابل توجهی دست‌یابد سریعاً یک برچسب «بااستعداد» روی او می‌زنند. افراد موفق اغلب به شکل آبرانسانی به‌تصویر کشیده می‌شوند که با توانایی‌های ویژه متولد می‌شوند به‌طوری‌که انگار متفاوت از بقیه هستند. اما باید اذعان داشت سخت‌کوشی و پشتکار واقعاً بر استعداد ارجحیت دارد. زمانی که برای اولین بار با فرد موفق ملاقات می‌کنیم یا درباره‌اش می‌شنویم، فکر می‌کنیم که او قطعاً با آن استعداد شگفت‌انگیز متولد شده است. اما حقیقت این است که آدم‌های معروف زیادی هستند که در راه تحقق اهداف و پیشرفت، بر سخت‌کوشی و پشتکار تکیه کرده‌اند. از این رو، معلم موفق هم در جهت نیل به اهداف و موفقیت باید بر تلاش و پشتکار اتکا کند که حاصل آن این است که او به اهداف آموزشی دست می‌یابد و در کنار آن الگوی خوبی برای دانش‌آموزان می‌تواند باشد.

استقبال از فراگیری مستمر دانش و یادگیری

یکی از شیوه‌هایی شکوفایی عقل، علم‌آموزی و دانش‌اندوزی مستمر است. یادگیری علم و دانش موجب باروری و رشد عقل فطری می‌شود. از این رو یک معلم همواره برای ارتقای عقلانیت و پیشرفت خود باید آماده علم‌آموزی و مشتاق یادگیری باشد. امام علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «در شرافت علم همین بس که افرادی که از آن آگاه نیستند آن را ادعا می‌کنند و اگر به آنان نسبت داده شود خوشحال می‌شوند و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگانش از آن تبری می‌جویند»^۴ از امام علی -علیه‌السلام- پرسیدند خیر چیست؟ ایشان فرمودند: «خوبی آن نیست که مال فرزندت بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان و بردباری تو بزرگ و گران‌مقدار باشد و در پرستش پروردگار در میان مردم سرافراز باشی. پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به جا

۱. فَشُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ، وَ اطَّوُّوا فُضُولَ الْمُتَوَاصِرِ؛ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَليْمَةٌ - خطبه ۲۴۱

۲. وَ لَا تَأْمَنَنَّ مَوْلَاً - حکمت ۲۱۱

۳. ن بَعِيدَاهِمَ إِذَا طَلَبْتَ، كَرِيمَ الطَّقْرِ إِذَا غَلَبْتَ - غرالحکم و دررالکلم ص ۴۴۸، ح ۱۰۲۷۶

۴. كَفَى بِالْعِلْمِ شَرَفًا أَنْ يَدْعِيَهُ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ وَ يَفْرَحَ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ وَ كَفَى بِالْجَهْلِ دَمًا يَنْبِرُ مِنْهُ مَنْ هُوَ فِيهِ

آوری و اگر کار بدی کردی از خدا آمرزش خواهی»^۱ در این حکمت آن حضرت با بیانی بسیار شیوا خیر واقعی را به فرد بیان می‌کند و از فرد مورد نظر می‌خواهد که بجای افزایش مال دنیوی و فرزند خود، به دنبال افزایش علم و آگاهی‌اش باشد که باعث افزایش مقام اجتماعی و معنوی فرد می‌شود و با افزایش علم و آگاهی، فرد بیشتر و بهتر معبود خود را می‌شناسد و او را ستایش می‌کند.

امام علی-علیه‌السلام- یکی از نشانه‌های پرهیزکاران را حریص در کسب دانش معرفی می‌کند. «از نشانه‌های آنان این است: در دین نیرومند، دور اندیش در عین نرمی، ایمانی مملو از یقین، حریص در کسب دانش و دارای علم توأم با حلم»^۲ هستند. در نگاه حضرت، دانشمند کسی است که هیچ‌گاه از آموزش و یادگیری خسته نمی‌شود و همواره در پی یادگیری و افزودن بر علم خود است. «دانشمند کسی است که از فراگیری دانش به ستوه نمی‌آید»^۳.

وقتی انسان نسبت به چیزی حریص است که خود را نیازمند آن بداند و هر قدر احساس نیاز بیشتر باشد حرص انسان هم به همان میزان کثرت پیدا می‌کند. اساساً یک معلم در مسیر تحصیل رضای پروردگار و نیل به مقام عبودیت، به شدت خود را نیازمند علم و دانش می‌داند و همین احساس نیاز شدید و عشق و علاقه وافر ایشان سبب می‌شود تا در راه به دست آوردن دانش حریص باشد و در راه یادگیری از هیچ چیز ابایی نداشته باشد؛ «هیچ کس شرم نکند هنگامی که چیزی را نمی‌داند، آن را بیاموزد»^۴. بنابراین باید اذعان داشت؛ دستیابی به تمام اهداف و آرمان‌های آموزشی در آموزش و پرورش، وابسته به نیروی انسانی آن؛ یعنی معلمان است که عامل اجرایی اهداف و آرمان‌ها در محیط عملی هستند و هیچ اصلاحی بدون همکاری و مشارکت فعال آنان انجام نخواهد شد. در دنیای امروزه به خاطر پیشرفت‌ها و نوآوری‌های سریع علوم در همه زمینه‌ها، به‌ویژه علوم تربیتی، روانشناسی و تکنولوژی آموزشی، لازم است که معلمان تمام مقاطع تحصیلی به‌طور مداوم و مستمر به دنبال دانش‌افزایی، خودسازی و کسب مهارت‌های لازم در راستای انتقال عناصر فرهنگی به نسل جدید و آینده‌سازان کشور باشند تا در این امر موفق باشند. اما اگر معلم به دنبال دانش-اندوزی مستمر نباشد بخاطر تحولات سریع جوامع، دانش و علم او به روز نخواهد شد و همین امر منجر می‌شود تا در روند تعامل با دانش‌آموزان و امر آموزش محتوای دروس به دانش‌آموزان با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود.

۱. لَيْسَ الْحَيِيُّ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَوَلَدِكَ، وَ لَكِنَّ الْحَيِّئَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ جَلْمُكَ وَ أَنْ تَبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ؛ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتِ اللَّهُ وَ إِنْ

أَسَأْتَ اسْتَفْهَرَتِ اللَّهُ، وَ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِیَخْلُقَ، رَجُلٍ أَذْنَبَ دُنُوياً فَهُوَ يَتَذَكَّرُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْحَيَاتِ- حکمت

۲. فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَ حَزْماً فِي لَيْنٍ وَ إِيمَاناً فِي يَقِينٍ وَ جِزْماً فِي عِلْمٍ وَ عِلْماً فِي جَلْمٍ - خطبه

۳. الْعَالِمُ الَّذِي لَا يَمَلُّ مِنْ تَعَلُّمِ الْعِلْمِ- غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۷۰.

۴. وَ لَا يَسْتَحْجِرُ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ حِکْمَتٌ ۸۲

عمل‌گرایی

علم حقیقی با عمل توأم است و کسی که از عمق جان خود چیزی را بداند به آن عمل می‌کند. علم دعوت به عمل می‌کند زیرا تأثیر علم، عمل است اما اگر بر طبق آن عمل نشود علم به تدریج تبدیل به شک می‌گردد. معلم نمونه، معلمی است که علم و عمل او با هم و در یک راستا باشد و بر اساس دانش خود عمل کند. امام علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «علم با عمل همراه است و هر کس (به راستی) عالم باشد عمل می‌کند. علم، عمل را فرا می‌خواند اگر اجابت کرد و آمد، علم می‌ماند و الاً کوچ می‌کند»^۱.

عمل معلم از علم او تأثیرگذارتر است و برای دانش‌آموزان یک الگوی تربیتی به شمار می‌رود. بنابراین هماهنگی علم و عمل او از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنان‌که امیرالمؤمنین -علیه‌السلام- در این باره فرمودند: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش‌دهنده و ادب‌آموز خود بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است»^۲.

امام علی -علیه‌السلام- در خطبه ۱۱۰، عالم بی‌عمل را به منزله جاهل بی‌خبر شمرده است و می‌فرماید: «به یقین، عالمی که به غیر علمش عمل می‌کند، همچون جاهل سرگردانی است که هرگز از جهل خویش بیرون نمی‌آید، بلکه حجت بر او عظیم‌تر، حسرتش پایدارتر و سرزنش او در پیشگاه خدا سزاوارتر است»^۳. علم اگر به مرحله یقین قطعی که در درون جان انسان نفوذ دارد برسد توأم با عمل است. اگر معلم در علمی که آموخته به یقین و باور قلبی رسیده باشد آن علم در رفتار و عمل او نیز نمود پیدا خواهد کرد. از همین رو امیرمؤمنان، علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «پست‌ترین مرحله علم آن است که تنها بر زبان باشد و برترین آن، آن است که در اعضا و ارکان وجود انسان آشکار گردد»^۴. جالب است بدانید ویتگنشتاین^۵ از فلاسفه بزرگ قرن بیستم در زمینه علم و عمل نظر مشابهی را همچون امام علی -علیه‌السلام- مطرح کرده و به تأیید سخنان او پرداخته است (کلاگ، ۱۳۹۰: ۱۲۹؛ نصرتی و حسینی، ۱۳۹۸: ۶۱؛ نصرتی، بختیارنصرآبادی، باقری و رادمرد، ۱۳۹۶: ۵-۲۶).

پس به‌طور کلی طبق این گفته امام علی -علیه‌السلام-: «آن کس که مردم را (به نیکی‌ها) فرا می‌خواند ولی خود به آن عمل نمی‌کند مانند کمانداری است که با کمان بدون زه می‌خواهد

۱. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيُبْدِأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالِاجْتِلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ - حکمت ۷۳

۲. وَ إِنَّ الْعَالِمَ يَغْبِرُ عَلَيْهِ كَالْجَاهِلِ الْخَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيدُ مِنْ جَهْلِهِ؛ بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَعْظَمُ، وَ الْحَسْرَةُ لَهُ أَرْزَمُ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ - خطبه ۱۱۰

۳. وَ إِنَّ الْعَالِمَ يَغْبِرُ عَلَيْهِ كَالْجَاهِلِ الْخَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيدُ مِنْ جَهْلِهِ؛ بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَعْظَمُ، وَ الْحَسْرَةُ لَهُ أَرْزَمُ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ - خطبه ۱۱۰

۴. أَوْضَعَ الْعِلْمَ مَا وَفَّتْ عَلَيْهِ اللِّسَانُ وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْإِزْكَانِ - حکمت ۹۲

تیراندازی کند». باید اذعان داشت؛ علمی که با آن عمل نباشد سودمند نیست و کثرت علم در صورتی که خالی از عمل باشد چیزی جز جهل نمی‌افزاید و دعوت‌کننده به سوی علم بدون عمل همچون تیراندازی است که تیرش به هدف نمی‌خورد و معلم بدون عمل نیز در آموزش خود به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و گفته‌ها و تعالیم او در جان و دل دانش‌آموزان نفوذ نخواهد کرد.

مشورت‌پذیری

اصل مشورت، یک ضرورت عقلی و شرعی است تا بدان‌جا که یک سوره به این عنوان در قرآن کریم آمده است و در آن امر به مشورت را به عنوان شاخص برجسته و رایج جامعه اهل ایمان در تدبیر امورشان معرفی می‌کند: «و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم (به فقیران) انفاق می‌کنند.»^۲ یک معلم هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد و ابعاد دیگر برای او ناشناخته می‌ماند، اما هنگامی که مسائل در شورا مطرح گردد و از عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف بهره‌گیری، مسائل کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص می‌گردد و در نتیجه او از لغزش دورتر می‌شود.

در اهمیت مشورت همین بس که امیرمؤمنان علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: «انسان عاقل از مشورت بی‌نیاز نیست»^۳ و همچنین فرمودند: «هیچ پشتیبانی اطمینان‌بخش‌تر از مشورت نیست.»^۴ مشورت امری همگانی است. هر معلم یا رهبر و مدیر گروهی نیز برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشورت با دیگران و نظرخواهی از آنان نیاز دارد و اگر از مشورت روی بگرداند بنا به فرموده امیرالمؤمنین علی -علیه‌السلام- هلاک خواهد شد؛ «کسی که (ترک مشورت کند و) استبداد به رأی داشته باشد هلاک می‌شود و آن‌کس که با مردان بزرگ مشورت کند در عقل و خرد آنها شریک می‌شود.»^۵ در نتیجه «بر هر عاقلی لازم است که رأی عاقلان دیگر را (از طریق مشورت) به رأی خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خویش بیافزاید.»^۶ بنابراین از جمله ویژگی‌های یک معلم توانمند و موفق بهره‌گیری از رأی و نظر دیگران و مشورت با آنهاست تا بتواند بدون خطا و کمترین اشتباه وظیفه خطیر خویش را انجام دهد.

طبق آموزه‌های امام علی -علیه‌السلام-، سالاری طرزقی (۱۳۹۱) ادعا می‌کند که مشورت موجب شناخت موانع و خطاها می‌شود، شرکت در عقل مشاوران، شناخت سرشت افراد مورد مشورت،

۱. الدّاعی بلا عمَلِ کَالرّایِ بلا وَرَی - حکمت ۳۳۷

۲. وَ الدّینِ اسْتِجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْهُم مِّنْهُم مَّا رَزَقْنَاهُمْ یَنْفِقُونَ - شوری ۳۸

۳. لا یَسْتَعِی الْعَاقِلُ عَنِ الْمَشَاوَرَةِ

۴. لا مَطَاوَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ - حکمت ۱۱۳

۵. مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْیِهِ هَلَکَ، وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِی عُمُودِهَا

۶. حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ یُضِیْفَ إِلَى رَأْیِهِ رَأْیَ الْعُقَلَاءِ وَیَضُمَّ إِلَى عُلُوبِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ - غررالحکم، ص ۵۵، حکمت ۴۹۶

رسیدن به رستگاری هم از دیگر فواید مشورت کردن است و مشورت برای انسان‌ها به عنوان مهمترین پشتیبانی قلمداد می‌شود. پس از آنجایی که کار و رسالت معلم از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است، بر معلمان لازم است در فرایند تحقق رسالت خودشان در تمامی مراحل، جهت شناخت کمبود و کاستی و خطاهای خود و غلبه بر آنها و همچنین استفاده از دست‌آوردهای همکاران و استفاده از آنها در راستای تحقق اهداف بر مشورت تأکید نمایند. به‌علاوه با تأکید بر مشورت، معلمان این عمل نیک را به فراگیران نیز آموزش می‌دهند و در گذر زمان به مرور همه افراد جامعه کارهای خویش را مطابق شور هدایت می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده باید اذعان داشت که انسان از آن جهت که موجودی خودآگاه است، قدرت ایجاد ارتباط با خویشتن را داراست. این ارتباط به معنای پیوند و رابطه او با حقیقت و جایگاه و منزلت خود در نظام هستی و قابلیت‌ها و توانایی‌های خویش می‌باشد و معلم در تعامل با خود در راستای تقویت استعدادها و وجودی خویش حرکت می‌کند. در این مقاله، با تأمل در بیانات امام علی-علیه‌السلام- مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها استخراج گردید که معلمان با تکیه بر آنها می‌توانند موجب تعالی اخلاق حرفه‌ای خود باشند. اولین مؤلفه تأکید بر فکور بودن معلمان بود؛ چرا که معلم فکور در تعامل با خود با توجه به روح و بعد معنوی وجود خود، حقیقتی به نام من یا خود را ادراک می‌کند که هویت و شخصیت او برخاسته از آن است و در طی دوران زندگی با وجود تغییرات فراوانی که در جسم او رخ می‌دهد. این حقیقت واحد در وجود او تغییر نمی‌کند. بنابراین چنین شخصی با داشتن فلسفه شخصی که ماحصل فکر و اندیشه است، از وحدت هویت و شخصیت برخوردار می‌شود. اما معلمی که فکور نیست، ناآگاه از خویشتن، همچون آلتی بی‌اختیار است که در امواج محیط و جامعه و قدرت هم‌نوعانش حیران و سر در گم بوده و این امواج او را به این سو و آن سو می‌کشاند و چنین شخصی قدرت تشخیص مصالح و مفاسد خویشتن و دانش‌آموزان را از دست خواهد داد.

از دیگر مؤلفه‌های مستخرج‌شده در بیانات امام علی-علیه‌السلام، استقبال از تغییر و تحولات است. امروزه، به‌خاطر رشد سریع علم و فناوری دستاوردهای تازه‌ای به ارمغان می‌آید و علم و دانش به سرعت افزایش می‌یابد. از این رو، در بحث تعامل معلم با خود بایستی معلمان افرادی پویا و در حال تلاش و تحول باشند و با دانش‌افزایی و مهارت از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و تحصیل رسمی در دوره تحصیلی بالاتر، می‌توانند پاسخگوی نیازهای در حال تحول خود و دانش‌آموزان و به‌طور کلی جامعه شوند.

باور به نیروی ماورای طبیعی و ذکر و یاد خدا از دیگر مؤلفه‌های به‌دست آمده، به دنبال این تبیین است که معلمان در تعامل با خود و در جهت سازندگی خویش از طریق ذکر و یاد خدا به فهم

عظمت و قدرت ماوراطبیعی خداوند نایل شوند و این خود موجب می‌شود معلمان قدر تک‌تک لحظات عمر خویش را دریابند و چون خود را زیر ذره‌بین قدرت متعالی می‌بینند همیشه مراقب اعمال و کردار خود بوده و در راستای تقویت آن حرکت می‌نمایند و سعی می‌کنند در همه حال در تعامل با فراگیران یا سایر همکاران عادلانه برخورد و عامل ضرر و زیان به اطرافیان نشده و وظایف و مسئولیت‌های معلمی خویش را به نحو احسن ایفا نمایند.

از دیگر مؤلفه‌های مستخرج اخلاق حرفه‌ای معلمی در بحث تعامل معلم با خود، هدفمندی و داشتن نظم و برنامه ریزی در کارهاست. اشاره شد که داشتن هدف نه تنها برای معلم بلکه برای همه انسان‌ها سرشار و دارای مزیت و جنبه‌های مثبت است. طبق نظر مرزوقی (۱۳۹۵)، معنابخشی به زندگی و فعالیت شغلی، وحدت‌بخشی به فعالیت‌ها، پرورش قابلیت‌ها و به‌کارگیری ظرفیت‌ها، انگیزه‌سازی، استفاده بهینه از منابع، ایجاد اعتماد به نفس و آرامش و امکان ارزیابی میزان پیشرفت تنها بخش کوچکی از آثار و پیامدهای مثبت هدفمندی است. لذا معلم با شناختن هدف والای زندگی خویش و مقتضیات و لوازم رسیدن به آن، می‌تواند آگاهانه‌گزينش و با توجه به وجود حدود و معیارهای خاصی که در این گزينش‌ها وجود دارد، عمل خود را برای رسیدن به کمال، ارزشمند و مفید نماید و یا بالعکس با عدم رعایت حدود و ضوابط و ارزش‌های اخلاقی آن را مانع سیر کمالی خویش قرار دهد. بنابراین هدف‌نهایی ارزشمند است که می‌تواند تراحمات و تعارضات انگیزه‌ها را تعدیل و تعیین نماید. در ارتباط با نظم و برنامه‌ریزی هم، معلمی که زندگی، رفتار و حتی فکرش را با نظم تنظیم و به این ویژگی پسندیده، آراسته باشد، الگوی مؤثری برای دانش‌آموزان خواهد بود و همانطور که اذعان شد؛ بهره‌گیری بیشتر از زندگی، نتیجه بخشی کارها، تنظیم افکار و جلوگیری از اتلاف عمر دیگران از دیگر پیامدهای نظم و برنامه‌ریزی در کارهای معلم است.

عزت نفس و پرهیز از خودپسندی و خود محاسبه‌گری هم از دیگر مؤلفه‌های مستخرج به ما نشان داد تا دریابیم امر محاسبه‌گری باید برای معلم بصورت عادت درآمد تا هر روز قبل از شروع روز جدید اعمال، رفتار و سخنان خود را در طول آن روز سنجیده و درباره آنها تفکر و تأمل نماید که آیا چنین اعمال و سخنانی برای او خوشایند است یا نه؟ این امر موجب می‌شود معلم دارای عزت نفس و به دور از خودپسندی رسالت معلمی خویش را تحقق بخشد و یا معلمانی که از طریق خود محاسبه‌گری جنبه‌های منفی افکار و رفتار خود را اصلاح می‌کنند در ایجاد و شکل‌گیری روابط گرم و صمیمی با دانش‌آموزان موفق‌تر عمل می‌کنند. همچنین یک معلم با محاسبه‌گری به عنوان موجودی آگاه و مختار برای جهت صحیح بخشیدن به حرکت نفس به سوی پروردگار، لازم است به خود باز گردد؛ خود را در یابد و به ارزش و کرامت خود پی ببرد. آن‌گاه با توجه به آگاهی‌ها و گرایش‌های فطری به امانت گذاشته شده در وجودش به بهترین نحو، به سوی هدف والای خلقتش گام بر می‌دارد.

در نهایت، پشتکار و تداوم کارها، استقبال از فراگیری مستمر دانش و یادگیری، عملگرایی و مشورت‌پذیری معلم از دیگر مؤلفه‌های مستخرج شده در این مقاله از بیانات امام علی-علیه‌السلام- در بحث تعامل معلم با خود، به ما فهماند که پشتکار و تداوم کارها برای معلمی یک امر حیاتی قلمداد می‌شود و آن واقعاً بر استعداد ارجحیت دارد و این حقیقت دارد که آدم‌های معروف زیادی هستند که با داشتن استعداد معمولی در راه تحقق اهداف و پیشرفت، بیشتر بر سخت‌کوشی و پشتکار تکیه کرده‌اند و از این طریق موفق به تحقق اهداف آموزشی شده و الگوی خوبی برای دانش‌آموزان بوده‌اند. لذا استقبال از فراگیری مستمر دانش و یادگیری نیز خود با بحث پشتکار رابطه نزدیکی دارد. چون معلمی که از پشتکار بالایی برخوردار است در راه کسب دانش و اندوختن و یادگیری توقف نمی‌کند. چون به خوبی می‌فهمد برای زندگی در جهان امروز با پیچیدگی‌های روزافزون آن، به کسب دانش بصورت مستمر نیازمند است. البته معلم موفق با کسب علم و دانش به صورت مستمر فقط مشغول انباشت اطلاعات در حافظه نیست بلکه به خوبی دریافته است که علمی که با آن عمل نباشد سودمند نخواهد بود و گفته‌ها و تعالیم او در جان و دل دانش‌آموزان نفوذ نخواهد کرد. در بحث آخرین مؤلفه هم باید اذعان داشت که مشورت‌پذیر بودن معلم جهت موفقیت در کار خود و به عنوان یک اخلاق نیکو قلمداد می‌شود. البته به نظر می‌رسد مؤلفه مشورت‌پذیری بیشتر و فقط در حیطه تعامل فرد با دیگران مطرح و دارای آثار و پیامدهای فراوانی باشد. اما لازم به ذکر است؛ در بحث تعامل معلم با خود، بحث مشورت‌پذیر بودن هم مطرح و نقش آفرینی می‌کند. چون معلم باید ابتدا از درون گرایش به این امر داشته و مشتاق آن باشد تا در کارها با دیگران مشورت نماید تا از آثار و پیامدهای آن همچون شناخت موانع و خطاها، شرکت در عقل مشاوران، شناخت سرشت افراد مورد مشورت و رسیدن به رستگاری بهره‌مند گردد.

منابع

- آل بویه، طاهره. (۱۳۸۸). ارتباط انسان با خود، مطالعات قرآنی. نامه جامعه، ۶۵: ۴۵-۵۱.
- باردن، لورانس. (۱۳۷۴). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- باقری، فریبرز؛ کیایی، زهرا و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۲). تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام علی (ع): پژوهشی با روش تحلیل محتوا. مطالعات اسلام و روانشناسی، ۷(۱۳): ۹۵-۱۱۸.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. جلد ۱۷. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۶). کلیات فلسفه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ذوعلم، علی. (۱۳۹۸). تبیین مفهومی و راهبردهای تربیتی: رابطه با خود، خدا، خلق و خلقت در برنامه درسی ملی. فصلنامه رشد، ۳۲ (۱): ۲۱-۲۷.

- روزنامه ایران. (۱۳۹۵). گزینش معلمان با قانون ۲۰ سال پیش! برای مقابله با تعرض، تنبیه و... به سلامت اخلاقی معلمان توجه می‌شود؟. سایت خبر آنلاین:
- سالاری طرزقی، زهرا. (۱۳۹۱). با چه کسانی مشورت نکنیم/ فواید مشورت از دیدگاه علی (ع). گروه دین و اندیشه، خبرگزاری دانشجو،
- سبحانی، محمد. (۱۳۸۲). «رمزهای موفقیت از نگاه امام علی (ع)». مجله میلان، ۴۷: ۳۱-۳۷.
- سجادی، سیدابراهیم. (۱۳۸۸). قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان. پژوهش‌های قرآنی، ۱۵ (۵۹-۶۰): ۹۰-۱۳۹.
- سعدی، مریم. (۱۳۸۹). تعامل اخلاقی فرد با خویشتن از دیدگاه استاد مطهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- سیدرضی. (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه شریف الرضی. ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: انتشارات مشهور.
- شیخی، موریس؛ ادیب، یوسف؛ حبیبی، حمدالله و محمودی، فیروز. (۱۳۹۸). شناسایی و تبیین تجربه متخصصین تعلیم و تربیت و دانشجو معلمان در فرایند شناسایی و شکل‌گیری اخلاق حرفه‌ای. نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۵۳: ۱۲۳-۱۲۹.
- فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۸). مبانی ترویج اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه. پژوهش‌نامه اخلاق، ۳: ۹-۲۴.
- فرامرزی قراملکی، احد؛ برخوردار، زینب و موحدی، فائزه. (۱۳۹۵). اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، تهران: انتشارات موسسه خیریه آموزشی فرهنگی شهید مهدوی.
- کردان، علی محمد. (۱۳۹۲). سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: سمت.
- کلاگ، جیمز سی. (۱۳۹۴). ویتگنشتاین در تبعید، ترجمه احسان سنایی اردکانی، تهران: ققنوس.
- مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن. (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- الماسیانی، مریم. (۱۳۹۵). تدوین مدل اعتلای اخلاق حرفه‌ای اعضای هیات علمی دانشگاه لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه لرستان.
- مرزوقی، رحمت اله. (۱۳۹۵). مبانی و اصول تعلیم و تربیت با نگاهی به تحولات دوران معاصر، تهران: آوای نور.
- مساعد، علی؛ منطقی، محسن. (۱۳۹۱). ارتباطات درون فردی از منظر اسلام. فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۴ (۲۶): ۱۳۰-۱۰۵.
- معمدی، عبدالله. (۱۳۹۵). دیدگاه ارتباطی شخصیت با تکیه بر منابع اسلامی. انسان پژوهی دینی، ۱۲ (۳۴): ۶۹-۵۱.
- نصرتی هشی، کمال؛ حسینی کنسویه، شهلا. (۱۳۹۸). نقش تبعید خودخواسته برای غلبه بر پیش‌فرض‌های فهم در آموزه‌های ویتگنشتاین متأخر و پیامدهای تربیتی آن. دوفصلنامه فلسفه تربیت، ۴ (۱): ۵۷-۸۷.

نصرتی‌هشی، کمال؛ بختیارنصرآبادی، حسنعلی؛ باقری، خسرو و رادمرد، سمیه. (۱۳۹۶). مؤلفه‌های شک سازنده در اندیشه ویتگنشتاین متأخر و پیامدهای تربیتی آن در تربیت ذهن نقاد. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۷(۱): ۵-۲۶.

نوروزی، رضاعلی و بدیعیان، راضیه. (۱۳۹۱). الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (ع). فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۹ (۳۳): ۹۱-۱۰۸.

هاشمی، سید ضیاء. (۱۳۷۶). عوامل تغییرات اجتماعی در نهج البلاغه، معرفت، ۲۱: ۲۱-۲۷.

